

Andishe-e-Taqrib.39 Vol.16, No.2, Summer 2020, P. 59- 90	اندیشه تقریب سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، پیاپی ۳۹ ص ۵۹ - ۹۰
--	---

مقاومت در قرآن

سلمان نگهبان^۱ / رحیم ابوالحسینی^۲

چکیده

در طول تاریخ هرگاه اهل ایمان به خداوند توکل نموده‌اند و برای رسیدن به خواسته خود که پرستش خداوند متعال و اطاعت از قوانین الهی بوده است پافشاری و مقاومت نموده‌اند، به پیروزی دست یافته‌اند. و هرگاه از در سازش و تسلیم و نفاق وارد شده‌اند جز خواری و ذلت نصیبشان نشده است. در این زمان که ظلم و جنایت عالم را فرا گرفته است و خون مسلمانان بی‌گناه چون نهر جاری است، بر همه مسلمانان واجب است که نسبت به مقاومت و شرایط و اصول آن متعهد و پایبند باشند.

در این نوشتار مقاومت به عنوان تنها راه پیروزی در برابر دشمنان شناخته شده است. از این رو پس از مفهوم‌شناسی، مبنای مقاومت بر اساس آیات قرآن، و سپس مهم‌ترین شرایط، عوامل، موانع و نتایج آن ذکر شده است.

واژگان کلیدی: مقاومت، استقامت، عزت، دفاع، جهاد، وحدت، صهیونیسم.

۱. دانش آموخته سطح سه حوزه (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه فقه و اصول جامعة المصطفی العالمية. rahim.ab44@yahoo.com

مقدمه

مقاومت از اصول اولیه زندگی بشری است که انسان بدون بهره‌مندی از آن قادر به حیات نخواهد بود و به صورت غریزی در بسیاری از موارد نسبت به آن اقدام می‌نماید. هرچه تهدید بارزتر باشد، مقاومت و عکس‌العمل فرد بیشتر است؛ اما در صورتی که فرد نسبت به تهدید و خطر ناآگاه باشد، یا آن را جدی تلقی نکند، عکس‌العمل مناسبی در برابر آن از خود بروز نخواهد داد. پس طبیعی است که اگر کسی متوجه خطر و تهدیدی نسبت به جان یا مال یا عرض خود گردد، به دلیل درکی که از جان، مال و عرض خود و همچنین شناختی که از خطر دارد، انگیزه‌ای بسیار قوی برای مقاومت خواهد داشت. اما در صورتی که دایره تهدید را دورتر از تعلقات شخصی خود ببیند، به شکل غریزی انگیزه مقاومت در برابر آن به مراتب کمتر خواهد بود. بر این اساس است که جوامع مختلف همواره برای حفظ کیان و بنیان خود در تلاش بوده‌اند تا به افراد خود حس وطن‌دوستی و آرمان‌دوستی را القاء کنند به گونه‌ای که وطن و آرمان خود را پاره‌ای از تن خود پندارند و در برابر تهدیدها مقاومت کنند و تا سر حد بذل جان، آن را پاس دارند. در واقع، تنها راه حفظ هر جامعه‌ای اطاعت از رهبر جامعه و فداکاری و مقاومت افراد آن است. از این رو خداوند متعال به عنوان ولی اهل ایمان، راه برون رفت جامعه اسلامی از گمراهی، ذلت و هلاکت را بیان فرموده و آن‌ها را به سوی وحدت و دفاع و مقاومت در برابر دشمنان هدایت فرموده است.

دشمن نیز به اهمیت این مهم واقف است؛ از این رو با تلاش برای تغییر مفهوم و القاء روش مورد پسند خود بر آن است تا با تغییر مسیر جامعه اسلامی، آن را به دره هلاکت سوق دهد.

از جمله مفاهیمی که با انگیزه‌های مختلف، دانسته و نادانسته مورد تحریف یا بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد، مقاومت در برابر دشمن است. همیشه بوده‌اند کسانی که به

دلیل هزینه داشتن مقاومت، پیش‌نهاداتی مانند مذاکره و یا دوستی با کفار را به جای مقاومت ارائه کرده‌اند در حالی که راه نجات جامعه اسلامی، مقاومت است و هزینه راه‌کارهای بدیل، بسیار بیش از مقاومت می‌باشد.

در این نوشتار به مبنای مقاومت در قرآن کریم به صورت مقارن با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و مبتنی بر قرآن به روش تحقیق توصیفی تحلیلی پرداخته شده است. در موضوع مقاومت در قرآن تحقیقاتی به صورت مقاومت مضاف مانند اقتصاد مقاومتی یا سیاست مقاومتی صورت گرفته است ولی بر مقاومت به صورت مطلق و مبتنی بر صرف آیات قرآن کریم کمتر کار شده است. از آنجا که قرآن منبع مشترک همه مذاهب اسلامی است و عمل به دستورات آن برای همه مسلمانان واجب و لازم است، در این پژوهش، ابعاد مختلف مقاومت صرفاً مستند به آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی مقاومت

أ. مقاومت در لغت

واژه مقاومت از ریشه «ق و م» است و برای آن معانی مختلفی مانند اعتدال (زیبیدی، ۱۳۰۶ش، ج ۱۷، ص ۵۹۲؛ رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۶۶)، ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۵)، استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۹۴)، پایداری، ایستادن، درست شدن و قیمت‌نهادن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۱۸۱) ذکر شده است. از میان معانی یادشده، معنای اعتدال شهرت بیشتری دارد (رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۵۱۷)، زیرا معانی دیگر در ذیل با این‌که در هیچ یک از کتاب‌های لغوی قدیم، کلمه مقاومت نیامده است؛ در منابع کهن غیرلغوی واژه مذکور استعمال شده است، چنان‌که در برخی کتاب‌های لغوی معاصر مانند

المنجد، واژه مقاومت را آورده است: «قاوم، یقاوم، مقاومة: قام معه، ضاده» (لویس معلوف، ۱۳۷۳ش، ص ۶۶۳)؛ بدین ترتیب یکی دیگر از معانی مقاومت، ضدبودن و رو در رویی بیان شده است. آن‌گاه این پرسش مطرح است که معنای اعتدال با ضدبودن چه تناسبی دارد؟ در توضیح ارتباط معنای اعتدال و ضدیت باید گفت، برای حفظ اعتدال باید با عامل بر هم زنده تعادل، ضدیت و مقابله نمود؛ و فرقی نیست بین اینکه بر هم زنده تعادل، عامل درونی شخص و یا عامل بیرونی مانند دشمن باشد. همچنین موضوع تعادل اعم است از امور فردی، جمعی، معنوی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی و محدود به هیچ یک نیست.

نکته بدیهی در معنای مقاومت، استمرار و ادامه آن است؛ یعنی مادامی که عامل بر هم زنده اعتدال در حال اعمال قوا باشد، مقاومت کننده باید در حفظ تعادل خود بکوشد.

واژه مقاومت در قرآن استعمال نشده است؛ اما با مصدر استقامت به صورت فعلی و اسم فاعلی آمده است: مشتقات فعلی آن، برای امر به استقامت به صورت- های «استقم» (هود: ۱۱۲)، «استقما» (یونس: ۸۹)، «استقیموا» (توبه: ۹)، و برای بیان آثار استقامت به گونه «یستقیم» (تکویر: ۸۱) و «استقاموا» (فصلت: ۴۱)، استعمال شده است. در سایر موارد واژه «مستقیم» که اسم فاعل مصدر استقامت است به کار رفته است. از این میان آیاتی که در هیات فعلی، استقامت را بیان کرده‌اند حکم لزوم استقامت در برابر دشمن را بیان کرده و مباحث مختلفی از این آیات استفاده می‌شوند؛ مانند: در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند (اِسْتَقَامُوا) فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. (فصلت: ۴۱) (۳۰)^۱

۱. ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾

ب. مقاومت در اصطلاح

در اصطلاح علم اخلاق مقاومت به معنای صبر است؛ آنگونه که مسکویه می‌گوید: «اما الصبر فهو مقاومة النفس الهوى لئلا تنقاد لقبائح اللذات» (ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۴۲۶ق، ص ۱۰۲). یعنی؛ صبر همان ایستادگی نفس در برابر خواهش‌هاست تا گرفتار لذت‌های زشت نشود.

در اصطلاح علم سیاست واژه مقاومت معادل لاتین (resistance, stand, opposition, rebuff) (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۱۷) است. معنای این تعبیر به ترتیب عبارت است از: مقاومت، ایستادن، مخالفت کردن و واکنش برای دفع کردن.

در اصطلاح علم فقه مقاومت به نحو عام و خاص مطلق، زیر مجموعه موضوع جهاد است. بدین ترتیب که جهاد بر دو نوع است: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی. و جهاد دفاعی همان مقاومت است. پس برای فهم معنای اصطلاحی مقاومت در فقه، به اختصار به اصطلاح جهاد دفاعی می‌پردازیم:

دفاع در شریعت اسلام بر دو قسم است: دفاع از بیضه و اساس اسلام و دفاع از نفس. اما قسم اول که مناسب این مقال می‌باشد، عبارت است از اینکه اگر دشمن به مسلمانان حمله کند به شکلی که اساس اسلام در خطر قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که با فدا کردن جان و مال و هر وسیله ممکن در برابر آن هجوم ایستادگی و دفاع کنند. این دفاع به صورت کفایی یا عینی بر مسلمانان واجب است و حضور امام معصوم یا اذن او لازم نیست. (مشکینی علی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴۵)

ج. مترادفات قرآنی مقاومت

در قرآن کریم بعضی از الفاظ هم معنای مقاومت هستند مانند:

صبر و شکیبایی: ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا (صَابِرُونَ) باشند بر دویست تن چیره می شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردند چرا که آنان قومی اند که نمی فهمند. (انفال(۸):۶۵)^۱

ثبات قدم: ای کسانی که ایمان آورده اید چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید (فَأَثْبِتُوا) و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید (انفال(۸):۴۵)^۲

دفاع: مواجهه با دشمن دارای مراتبی است؛ برخی یارای جنگیدن با آن دارند و برخی نمی توانند، با این حال هر قدر که می توانند باید در این مقاومت سهیم باشند، مثلاً سیاهی لشکر باشند (البخاری القنوجی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۷۲) خداوند فرموده است: «بیائید و در راه خدا نبرد کنید یا (لا اقل) از حریم خود دفاع نمائید» (آل عمران(۳):۱۶۷)^۳.

طاقت و تحمل: و هنگامی که [طلوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند از آن [نهر] گذشتند گفتند امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیان نیست (لَا طَاقَةَ لَنَا) کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است (بقره(۲):۲۴۹)^۱

قتال (رو در رو شدن): و در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبِتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
۳. ﴿وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَنَا كُمْ هُمْ لِلْكَافِرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾
۱. ﴿فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمُ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

نبرد کنید، لکن از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد. (بقره(۲):۱۹۰)^۱
جهاد: در بسیاری از موارد که لازمه امتثال امر الهی مقاومت است، لفظ جهاد به کار رفته است مانند آیه‌ای که می‌فرماید: و کسانی که در راه ما کوشیده اند(جاهدوا) به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است (عنکبوت(۲۹):۶۹)^۲ جاهدوا به معنای مقاومت در برابر هواهای نفسانی برای عبادت خداوند و شکر نعمت‌هایش و صبر در امتحان‌های الهی می‌باشد. (أثیر الدین الأندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۶۸)

۲. مبانی مقاومت از نگاه قرآن

با بررسی آیات قرآن می‌توان مواردی را از آن به عنوان مبنای مقاومت استخراج کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتست از:

أ. مقاومت: شأنی از شئون الهی

از دیدگاه قرآن اساس مقاومت و دفاع در برابر کافران و دشمنان دین بر عهده خداوند متعال است؛ زیرا پر واضح است که از وظایف رهبر جامعه شناخت و تدبیر راه مقاومت و مقابله با دشمنان است. آنگونه که در قرآن آمده است: خداوند، ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، آن‌ها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (بقره(۲):۲۵۷)^۱، خداوند ولیّ و رهبر جامعه ایمانی است و این وظیفه سنگین بر عهده اوست. از این رو در جای دیگر می‌فرماید: قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می‌کند... (حج(۲۲):۳۸)^۲ این دفاع لازمه

۱. ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾

۲. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

۱. ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾

بقای مومنین بر ایمان است و اگر دفاع الهی از آنها نباشد در بسیاری از موارد یارای مقاومت نخواهند داشت. (شمس الدین القرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۲، ص ۶۷) و این دفاع همیشگی و مکرر است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۱۶۱)

خداوند متعال وظیفه دفاع و مقاومت در برابر کفر را به مومنین نیز واگذار می‌نماید و می‌فرماید: کسانی که مورد ظلم قرار می‌گیرند می‌توانند به مقابله برخیزند هرچند خداوند بر هر چیز تواناست. (حج (۲۲): ۳۹)^۱ این اذن در واقع گویای ضعف کافران در برابر خداوند متعال و همچنین توانمندی مومنین است. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۴، ص ۳۸۴)

این اذن الهی به معنای اختیار نیست، بلکه امر به مقاومت است؛ زیرا در جای دیگر می‌فرماید: باید آنگونه که به تو امر شده است استقامت کنی. (هود (۱۱): ۱۲)^۲

ب: مقاومت امری ضروری در مقابله با فساد

بر مبنای قرآن کریم، مقاومت نه تنها امری پسندیده است؛ بلکه امری لازم و ضروری است که خود خداوند متعال از باب تفضل بر مومنین و برای جلوگیری از تسلط کامل فساد و تباهی طاغوت (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۹۸) مجری آن است؛ زیرا کسی را یارای مقابله با او نیست و در واقع از بندگان مومن دفاع می‌کند (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۲۵۹) می‌فرماید: و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد (وَأَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ قِطْعًا زَمِينَ تَبَاهٍ مِیْ گَرْدِیدِ (لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ) ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد. (بقره (۲): ۲۵۱)^۱

۱. ﴿أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾

۲. ﴿فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ﴾

۱. ﴿وَأَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾

ج: مقاومت و دفاع مایه حفظ دین و ایمان

در هر زمانی خداوند برای حفظ دین و ایمان مومنین، از ایشان دفاع کرده است و اگر یاری او نبود و کافران و مشرکان را دفع نمی‌کرد، آن‌ها هیچ مجالی برای عبادت خداوند بر روی زمین باقی نمی‌گذاشتند و تمام عبادتگاه‌ها را نابود می‌ساختند (حج(۲۲): ۴۰)^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۴، ص ۳۸۵)؛ زیرا اساس دشمنی کفار با مومنین برای از بین بردن ایمان و آثار ایمانی است (بقره(۲): ۲۱۷)^۲ و باید در مقابل آن‌ها دفاع صورت پذیرد.

د: لزوم مقاومت بر اساس قاعده نفی سبیل

جهان کفر همیشه در تلاش برای تسلط بر جامعه ایمانی بوده است و از هیچ تلاشی دریغ نکرده است ولی در قرآن آمده است که: خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (نساء(۴): ۱۴۱)^۳ یعنی اگر جامعه اسلامی از دستورات الهی تبعیت کنند، کافران در هیچ زمینه‌ای اعم از جنگ و سیاست و علم و عمل نمی‌توانند بر آن‌ها مسلط شوند. (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۵، ص ۳۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۱۱۶) و هرگاه جامعه اسلامی در تدبیر و انجام وظایف دینی اهمال نمودند، زمینه سروری و علو کافران را بر خودشان فراهم کردند و آن‌ها بر مملکت اسلامی حاکم شدند و چونان فرعونیان زمین‌های مسلمانان را غصب نمودند و بر آن‌ها جزیه تعیین کردند و ایشان را به کارهای دشوار واداشتند. (هروی، محمد الامین، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۲۳)

۱ . ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ لِلنَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا
وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

۲ . ﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ﴾

۳ . ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

در تفسیر آیه گفته شده است که تسلط کافران بر مسلمانان شرعاً جایز نیست و هر جا چنان تسلطی ایجاد شود غیر شرعی است (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۵، ص ۴۲۰)؛ پس بر همه مسلمانان واجب است به منظور مقاومت در برابر تسلط کفار بر ایشان، با امتثال به دستورات دینی، تمام قوای خود را در همه زمینه‌ها به کار بندند. طبق قاعده نفی سبیل، مقاومت در همه ابعاد و عوامل تسلط کفار بر مسلمین واجب است؛ از جمله:

اقتصادی: همان‌گونه که قوام زندگی فردی و خانوادگی هر شخص، تدبیر در معیشت و هوشیاری در تعاملات اقتصادی است، قوام زندگی جامعه اسلامی نیز مبتنی بر این ذکاوت و هوشیاری است. امور اقتصادی جامعه اسلامی باید در اختیار کسانی باشد که حفظ و قوام این جامعه هدف آن‌ها باشد و توانمندی لازم برای این مهم را داشته باشند. کسانی که امور اقتصادی جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرند، اگر عمل‌کردشان منجر به وابستگی به دشمنان و کافران گردد، یا سفيه هستند و ضعف در عقلانیت دارند و یا فاسد و خائن‌اند. (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۱۱، ص ۲۲۶) خداوند می‌فرماید: اقتصاد عامل قیام و مقاومت شماسست و باید آن را حفظ کنید و به دست سفیهان جامعه ندهید. (نساء: ۴: ۵)^۱

سیاسی و اجتماعی: خداوند می‌فرماید: بگو من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو به دو یا به تنهایی برای خدا قیام کنید و به پا خیزید. (سبأ: ۳۴: ۴۶)^۱

روشن است که در اینجا «قیام» به مفهوم روی پا ایستادن نیست، بلکه به معنای روی آوردن به ارشاد و اصلاح و سازندگی انسان‌ها با گفتگوی روشن‌گرانه و به اندیشه و تفکر واداشتن آنان و نیز اندیشیدن در مورد خویش است؛ زیرا

۱. ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾

۱. ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْقَى وَفُرَادَى...﴾

سرچشمه هر دگرگونی مطلوب و یا تحمل ناپسند و نامطلوب، دگرگونی در اندیشه و باورها و از پی آن دگرگونی در عمل کرده‌است؛ و بدان دلیل است که حق، تنها در پرتو اندیشه‌ی درست و مناظره روشن‌گرانه و هدفدار و حق‌جویانه برای انسان حق طلب نمایان می‌گردد. (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۸ ص ۲۲۵)

در جای دیگر، قرآن کریم خط مشی سیاسی را به گونه‌ای دیگر بیان می‌دارد و می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر دشمن] آماده باشید [اسلحه خود را بگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید. (نساء(۴): ۷۱)^۱ در این آیه خداوند در عرصه سیاسی و نظامی، برای در امان ماندن از شر دشمن آماده باش کامل اعلام می‌دارد. خذوا حذرکم یعنی آماده دفع شر دشمن باشید. این آمادگی مستلزم شناخت حالات و استعدادها و قوت و ضعف و تعداد و توافقات و اختلافات دشمن و راه مقابله و مقاومت در برابر آنها است. (مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۵، ص ۸۷)

بر این اساس، سیاست و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باید بر مبنای حفظ دین و اعتقاد و مقابله با دسیسه‌های همه‌جانبه دشمن باشد.

نظامی: از جمله ابعادی که واجب است جامعه اسلامی خودکفا و بی نیاز از غیر باشد بعد نظامی است؛ زیرا هیچ‌گاه از نظر نظامی در امنیت نخواهد بود و همیشه باید برای مقابله نظامی با دشمنان آماده باشد و اینکه هیچ چیز مانند آمادگی برای جنگ نمی‌تواند مانع جنگ شود؛ (مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۱۰، ص ۲۵) زیرا وقتی دشمن آمادگی طرف مقابل را برای مقابله ببیند به خود اجازه جنگ نخواهد داد. خداوند می‌فرماید:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُبَاتٍ أَوْ ائْفِرُوا جَمِيعًا﴾

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (انفال(۸): ۶۰)^۱ و نیز می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید در برابر دشمن آماده باشید (اسلحه خود را بگیرید) و گروه گروه (به جهاد) بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید (نساء(۴): ۷۱)^۲ همانگونه که در بالا گفته شد این آیه لزوم آمادگی مقابله نظامی را نیز بیان می کند. (مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۵، ص ۸۷)

هـ: وابستگی عزت مسلمین به مقاومت

خداوند می فرماید: همانان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان [خود] می گیرند آیا سربلندی را نزد آنان می جویند [این خیالی خام است] چرا که عزت همه از آن خداست. (نساء(۴): ۱۳۹)^۳ برگزیدن راهی جز مقاومت در برابر کافران ذلت به بار خواهد آورد و عزت حقیقی در تمسک به حبل الله و حفظ وحدت و ثبات جامعه اسلامی است. در حقیقت تصور اینکه دوستی با کفار و تسلیم در برابر بخشی از خواسته های آنها و نادیده انگاشتن بخشی از مبانی اسلامی ما را به عزت خواهد رساند، خیال خامی بیش نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۴۹۳)

۳. شرایط مقاومت

مقاومت کردن دارای شرایطی است که با رعایت آنها می توان به نتیجه مطلوب دست یافت:

۱. ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...﴾
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا﴾
۳. ﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

أ. مقاومت با تمام وجود

در قرآن آمده است: سبکبار و گرانبار بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است. (توبه(۹): ۴۱)^۱ طبق این آیه، خواسته خداوند متعال از مومنین این است که با تمام وجود در راه دفاع و حفظ دین همت گمارند و در این راه در هر حالتی از جان و مال خود بگذرند. (مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۱۰، ص ۱۲۳).

ب. عدم سستی

خداوند کسانی که در مواجهه با دشمن سستی می‌کنند را نهیب می‌زند و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود در راه خدا بسیج شوید کندی به خرج می‌دهید (أَتَأْقَلْتُمْ)؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست. (توبه(۹): ۳۸)^۲ (أَتَأْقَلْتُمْ) به تعبیری یعنی چه می‌کنید؟! پس در زمان مقاومت و امر به مقابله، بهانه‌جویی و پرداختن به کارهای نامربوط و حاشیه‌پردازی جایز نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۹۵)

ج. ابراز قدرت و شدت

در مقاومت در برابر دشمن باید به گونه‌ای ظاهر شد که دشمن خشونت و قدرت را در برابر خود احساس کند. و مومنین را صبور در جنگ و خشن و بی‌رحم پندارند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۵۰)؛ آنگونه که خداوند می‌فرماید: ای اهل ایمان، با کافران از آنان که با شما نزدیک‌ترند شروع به جهاد کنید و باید کفار

۱. ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾
 ۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾

در شما درستی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند، و بدانید که خدا همیشه با پرهیزکاران است. (توبه(۹):۱۲۳)^۱

د. عدم اطاعت از کفار و مشورت با آنها

خداوند می‌فرماید: پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز. (فرقان(۲۵):۵۲)^۲ در مسیر مقابله و مقاومت در برابر کفار به هیچ عنوان مدارا کردن با آنها جایز نیست (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۴۶) و نباید از قاعده و قانون آنها اطاعت شود؛ بلکه باید با بهره‌گیری از قواعد دینی مبارزه را ادامه داد. هیچ نظری را از آنها نباید پذیرفت و نباید با ایشان مشورت نمود؛ زیرا آنها به دنبال هلاکت مومنین هستند (مراغی، ۱۳۶ق، ج ۲۱، ص ۱۲۴) و در واقع هرگونه اطاعت از قانون دشمن که منافی با دستورات و قواعد دینی باشد، کوتاه آمدن از مبانی و ترک مقاومت است.

ه. عدم خوش بینی و اعتماد به دشمن

خداوند متعال به صراحت از خوش بینی و اعتماد به دشمن نهی کرده و فرموده است: ای اهل ایمان، از غیر هم‌دینان خود دوست صمیمی هم‌راز نگیرید، چه آن‌که آنها از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای کوتاهی نکنند، آنها مایلند شما همیشه در رنج باشید، دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند و محققاً آنچه در دل دارند بیش از آن است. ما به خوبی برای شما بیان آیات کردیم اگر عقل را به کار بندید. (آل عمران (۳):۱۱۸)^۱ نهی آیه در جمیع حالات است و به طریق اولی در

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾

۲. ﴿فَلَا تُطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَجَاهِدُوهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا﴾

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾

موضوع مقاومت و تقابل باید احتیاط نمود و از اعتماد و دوستی و خوشبینی و مشورت با دشمن پرهیز نمود. (عبد الرحمن ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۷۴۳)

و. جایز نبودن گریختن از دشمن

خداوند به صراحت دستور مقاومت در برابر دشمن داده است و اجازه فرار و پشت کردن به دشمن را نداده است و نگریختن از میدان نبرد را عهد با خود بیان می فرماید (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۶، ص ۲۹۰) و در باره کسانی که از نبرد بگریزند می گوید: و آن منافقان از این پیش (در جنگ احد که اکثر افراد فرار کردند) با خدا عهد محکم بسته بودند که به جنگ پشت نکنند، و از عهد خدا پرسش خواهد شد. (احزاب (۳۳): ۱۵).^۱

ز. حفظ وحدت

از جمله شرایط مهم مقاومت در برابر دشمنان، حفظ وحدت و یک پارچگی امت اسلام است. و اختلاف و ترک وحدت موجب شکست و نابودی خواهد شد. در این مورد بیان آیه به این صورت است که: و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمائید و نزاع (و کشمکش) مکنید تا سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود و استقامت نمائید که خداوند با استقامت کنندگان است. (انفال (۸): ۴۶)^۱ ترک وحدت و کشمکش موجب ضعف اراده و از بین رفتن عزت و تسلط و سستی قوا می گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۹۵)

ح. لزوم بهره گیری از تمام استعدادهای جامعه اسلامی

خداوند متعال با صراحت بیان می کند جامعه ی اسلامی برای بالندگی در جهان باید متکی به خود باشد و برای این منظور باید خود را در برابر دشمنان در همه ی زمینه ها، مجهز سازد و می فرماید: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های

۱. ﴿وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا﴾

۱. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (انفال(۸): ۶۰)^۱ این آیه تأکید دارد که هر چه می توانید قوت و توان خود را افزایش دهید و زمینه های استعداد و مقاومت را در جامعه ای اسلامی فراهم کنید. هر کاری که در مقابله با دشمن دخیل است داخل در معنا می باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۱۱۴ و ج ۴، ص ۴۱۶)

ط. انزوا، بخشی از سیاست مقاومتی

در هر زمانی که گروهی برای رسیدن به اهداف عالی الهی قیام کنند، به صورت طبیعی با مخالفت و دشمنی کافران مواجه خواهند شد. یکی از مراحل دشمنی محدود ساختن ارتباطی طرف مقابل است. در برخی شرایط نیز ممکن است گوشه گیری از جامعه همراه با امیدواری به آینده ای روشن، بخشی از مخالفت و مقابله با وضع موجود باشد. این تنها ماندن، در هر دو صورت مقدمه قیام است (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۳، ص ۲۴۷). در قرآن می بینیم که خداوند متعال بنا به شرایط اصحاب کهف به آن ها امر به انزوا به امید ایجاد شرایط مناسب قیام می کند آنجا که می فرماید: و چون از آن ها و از آنچه که جز خدا می پرستند کناره گرفتید پس به غار پناه جوید تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد (کهف(۱۸): ۱۶)^۱ اصحاب کهف به منظور مخالفت و مبارزه با کفر از جمع آن ها خارج شدند و به غار رفته و در

۱. ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾
 ۱. ﴿وَإِذْ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ فَأَوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا﴾

اندیشه به سامان رساندن اندیشه الهی خود بودند و در این راه از خداوند یاری جستند. (کهف(۱۸):۱۰)^۱

از آنجایی که مقاومت به معنای ایستادگی در چارچوب مبانی و اصول و در راستای تحقق اهداف و مقاصد عالی بدون عقب‌نشینی از مبانی و اصول است، شاید به سادگی بتوان سیاست عزلت مقاومتی را درک کرد؛ زیرا وقتی عزلت و گوشه‌گیری به عنوان یک سازوکار و سیاست در چارچوب مبانی و اصول و راهبردها به کار می‌رود، هیچ مشکلی ندارد. در آیه مذکور خداوند اصحاب کهف را در حالت پناه بردن به غار مدح کرده است و به آن‌ها لقب فتیه به معنای جوانان می‌باشد داده است که خالی از معنای مدح نیست؛ حال آنکه به نوعی از جمع خود را منزوی نموده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۳، ص ۲۴۷)

ی. تحمل رنج و مشقت لازمه مقاومت

این یک امری طبیعی است که برای رسیدن به هر امتیازی باید به تناسب آن سختی تحمل کرد و این‌گونه نیست که در آسایش بتوان از خطرهای و تهدیدها عبور کرد و به آرامش و سعادت رسید. خداوند می‌فرماید رسیدن به بهشت از راه صبر و مقاومت ممکن است: آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد بر [سر] شما نیامده است آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند پیروزی خدا کی خواهد بود هشدار که پیروزی خدا نزدیک است. (بقره(۲):۲۱۴)^۱ از نشانه‌های ایمان آن است که در سختی‌ها بر ایمان

۱. ﴿إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾

۱. ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مِّثْلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُ النَّسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى

يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾

خود ثابت قدم باشد و بر باور خود نسبت به وعده پیروزی از جانب خداوند استوار بماند و بر ایمانش افزوده شود. (واحدی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۸، ص ۲۱۵)

۴. عوامل مقاومت

برای داشتن روحیه مقاومت باید عواملی که به ما کمک می‌کنند تا به آن درجه برسیم را بشناسیم؛ از این رو به برخی از مهم‌ترین عوامل که در قرآن بیان شده است، اشاره می‌شود:

أ. توحید و ایمان به خدا و امدادهای الهی

بی‌گمان توحید و ایمان به یگانگی خداوند به عنوان قدرتمندترین موجود و به وجود آورنده سایر موجودات، مهم‌ترین عامل در مقاومت است؛ زیرا کسی که به خدا ایمان دارد و او را در هستی، تنها مؤثر مطلق و محض می‌داند، به غنای الهی توجه می‌یابد و فقر خود را با غنای او جبران می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۷، ص ۳۴) او که می‌گوید: ای مردم، شما همه به خدا محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی‌الذات و ستوده صفات است. (فاطر (۳۵): ۱۵)^۱ و موانع را نیز با حمایت و امدادهای خداوندی از پیش رو برمی‌دارد؛ زیرا خداوند فرموده است که اگر او را یاری دهید، او شما را یاری خواهد داد (محمد (۴۷): ۷) (طباطبایی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۹۵)

ب. ایمان به معاد

اعتقاد و باور به اینکه سرانجام همه به پیشگاه الهی جهت محاسبه اعمال باز خواهند گشت، موجب ایجاد روحیه صبر و مقاومت در مومنین می‌گردد و همین باور است که تحمل مصیبت‌ها و سختی‌ها را بر ایشان آسان می‌کند. مرور آیات قرآن (بقره (۲): ۱۵۳ تا ۱۵۶) گواه بر این مدعاست که مؤمنین به معاد، یارای مقاومت

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

و مقابله با سختی‌ها را دارند؛ زیرا ایشان معاد را بازگشت ارواح به رب الارواح می‌دانند. (ملاصدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۶، ص ۸۰)

ج. توکل

انسانی که جزم به مبانی توحید داشته باشد، عزم خود را برای انجام مقاصد الهی به کار خواهد گرفت و عاقبت کارها را به خداوند می‌سپارد و تابع اراده او خواهد بود؛ زیرا می‌داند که خداوند تدبیر کننده امور عالم است و جز خیر و صلاح بندگان از او صادر نمی‌شود. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۵۶) خداوند می‌فرماید: آن‌ها کسانی هستند که اگر همه مردم بر علیه آن‌ها باشند ترس به دل راه نمی‌دهند و بر خدا توکل می‌کنند و او را بهترین حامی خود می‌دانند. (آل عمران: ۳) (۱۷۳)^۱

د. امیدواری

امید به پاداش و نصرت الهی، سبب تقویت روحیه و ایستادگی در برابر دشمنان است که خداوند در این باره می‌فرماید: و از تعقیب دشمن سست نشوید (چه اینکه) اگر شما درد و رنج می‌بینید آن‌ها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند، ولی شما امیدی از خدا دارید که آن‌ها ندارند و خداوند دانا و حکیم است. (نساء: ۴) (۱۰۴)^۱ در این آیه امیدواری به خداوند، سبب مقاومت و تحمل درد و سختی شمرده شده است. (سیوطی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۶۶۹)

هـ. دعا

یکی از عوامل مقاومت دعا کردن و از خدا طلب صبر کردن است همان‌گونه که خداوند در وصف بسیاری از پیامبرانی که به همراه پیروان خود در برابر دشمنان مقاومت کردند و عزت خود را از دست ندادند می‌فرماید: سخن آنان

۱ . ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾
 ۱ . ﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾

جز این نبود که گفتند پروردگارا گناهان ما و زیاده روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گامهای ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران یاری ده. (آل عمران (۳): ۱۴۷)^۱ یعنی در دعای خود چیزی که نشان از ضعف در آنها باشد وجود ندارد؛ بلکه عزم راسخ خود را بیان می‌دارند و این نوع دعا موجب استقامت بیشتر ایشان خواهد بود. (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۲)

و. خشوع

کسانی که خود را در محضر پروردگار جهانیان بدانند و او را شاهد بر همه امور و قادر بر هر کاری بدانند در برابر او فروتن خواهند بود و به احترام او بر دستورات او صبر می‌کنند و از او مدد می‌گیرند؛ زیرا یقین دارند که او سختی‌هایی را که تحمل می‌کنند را جبران خواهد کرد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۴) در قرآن آمده است که: و یاری جوید از خدا به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان فروتن. (بقره (۲): ۴۵)^۱

ز. شوق دیدار با خدا

آنان که جز دیدار با خدا و جلب رضایت او هدف و آرزویی ندارند، از هیچ خطری هراس ندارند و مشتاقانه در برابر ناملازمات مقاومت می‌کنند. این یقین رسیدن به جزای الهی که سرآمد آن دیدار با خداوند متعال موجب بردباری آنان است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۴) در قرآن در وصف ایشان چنین آمده: کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است. (بقره (۲): ۲۴۹)^۲

۱. ﴿وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

۱. ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾

۲. ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَافُوا اللَّهَ كَمَنْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ عَلَبْتَ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

۵. موانع مقاومت

اما موانع مقاومت عبارتند از:

أ. دنیاطلبی و هواهای نفسانی

دنیاطلبی و دلدادگی به مادیات، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمن است. خداوند می‌فرماید: وعده پیروزی برای شما محقق بود تا وقتی که برای خدا نبرد می‌کردید، اما هنگامی که به طمع غنائیم با هم برخورد کردید مقاومت خود را از دست دادید. (آل عمران(۳):۱۵۲)^۱ حب دنیا باعث ترس و سستی در رای می‌شود. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۷)

ب. شیطان و وسوسه‌هایش

شیطان همیشه در کمین بشر بوده و با استفاده از نقاط ضعفی که از هر کسی سراغ دارد، او را فریب داده و از مسیر حق منحرف می‌سازد. در عرصه صبر و مقاومت نیز با رخنه در قلب افراد، عزم آن‌ها را سست کرده و موجب لغزش ایشان می‌شود. (الزمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۰) در قرآن این موضوع اینگونه بیان شده است: کسانی از شما که در روز برخورد دو گروه (مسلمان و کافر در جنگ احد) پشت کردند و فراری شدند شیطان آن‌ها را به سبب نافرمانی و بدکرداریشان به لغزش افکند، و همانا خدا از آن‌ها درگذشت، که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (آل عمران(۳):۱۵۵)^۱

۱ . ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّوهُم بِأُذُنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَصَلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ...﴾

۱ . ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾

ج. تأثیر پذیری از دشمن

جنگ روانی دشمن یکی از عوامل ضد مقاومتی است. بی‌گمان تأثیرپذیری مجاهدان از تحریکات خیانت‌آمیز دشمن، مانع پایداری آنان است. معمولاً کسانی که تحت تأثیر جنگ روانی دشمن قرار گرفته‌اند دست از مقاومت برداشته و خود را تسلیم دشمن کرده‌اند. خداوند می‌فرماید: در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید (آل‌عمران (۳): ۱۷۵)^۱ کسانی که تحت تأثیر فریب دشمن قرار گیرند و از متابعت رهبری جامعه بازمانند و وعده نصر الهی را فراموش کنند و امر مقاومت را فرو گذارند، در واقع ولایت شیطان و دشمن را پذیرفته‌اند. (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۵۱) بالاترین ملاک برای تشخیص تأثیر دشمن در مومنین، ولایت‌پذیری یا عدم ولایت‌پذیری آنها از رهبر جامعه است.

د. تبعیت از نادانان

برای باقی ماندن بر راه درست باید از آگاهان تبعیت شود و تبعیت از نادانان موجب انحراف از مسیر صحیح خواهد شد. خداوند پیروی از نادانان را مخالف استقامت دانسته و گفته است: فرمود دعای هر دوی شما پذیرفته شد پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی نکنید (یونس (۱۰): ۸۹)^۱ شرط استقامت صحیح عدم تبعیت از نا آگاهان است. (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۸، ص ۳۷۶)

هـ. عجب

هرگاه انسان دشمن را به هر دلیلی کوچک و ضعیف شمارد، از آسیب در امان نخواهد ماند؛ زیرا دیگر تمام همت و دقت خود را صرف مقابله با او نمی‌کند. خداوند در قرآن یکی از نمونه‌های شکست ناشی از عجب را اینگونه بیان می‌فرماید:

۱. ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
۱. ﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

همانا خدا شما مسلمین را در مواقعی بسیار یاری کرد و نیز در جنگ حنین که فریفته و مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و آن لشکر زیاد اصلا به کار شما نیامد و زمین بدان فراخی بر شما تنگ شد تا آنکه همه رو به فرار نهادید. (توبه(۹):۲۵)^۱ یعنی کم یا زیادی جمعیت دلیل غلبه یا شکست نیست؛ بلکه یاری خداوند است که پیروزی را به ارمغان خواهد آورد. (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۸، ص ۱۰۰)

و. عجزول بودن

طبع اولیه بشر عجزول بودن است. خداوند می‌فرماید: انسان با شوق و رغبتی که خیر و منفعت خود را می‌جوید (چه بسا به نادانی) با همان شوق و رغبت شر و زیان خود را می‌طلبد، و انسان بسیار بی‌صبر و شتاب‌کار است. (اسراء(۱۷):۱۱)^۱. برای رسیدن به اهداف بلند انسان باید بر این صفت غلبه کند؛ زیرا عجله موجب می‌شود صبر آدمی کم شود و توان مقاومت را از او سلب می‌کند. ابن عباس ذیل آیه ۴۸ سوره قلم^۲ می‌گوید: خداوند پیامبر را امر به صبر فرمود و او را نهی کرد از اینکه مانند حضرت یونس عجله نماید. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۹۰)

۶. نتیجه مقاومت

خداوند متعال در قرآن کریم به پاداش مقاومت مومنین در برابر کفار وعده‌های مختلفی داده است که بخشی از آن‌ها عبارتند از:

أ. پیروزی و یاری خداوند

به بیانات مختلف به مومنین و مقاومت پیشگان وعده پیروزی داده شده است. در آیه‌ای از قرآن آمده است: و سستی نوزید و اندوهگین نباشید چرا که شما اگر

۱. ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْيَبْتَكُمْ كَثَرْتُمْ كَثْرَتَكُمْ فَلَمْ نُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَافَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ﴾

۱. ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾

۲. ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾

مؤمن باشید، برترید (آل عمران(۳):۱۳۹)^۱ یعنی اگر به صدق وعده یاری الهی ایمان دارید شما برتر و پیروز خواهید بود. (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۴، ص ۲۱۷) و همچنین در آیه دیگر نیز آمده: ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گمهایتان را استوار می‌دارد (محمد(۴۷):۷)^۲ نتیجه یاری رساندن به خداوند، یاری شدن از جانب خدا را در بر خواهد داشت و همانا هدف از مقاومت حفظ تعادل و ثبات است و خداوند وعده ثبات قدم را داده است و وعده الهی حق است (غافر(۴۰):۷۷)^۳؛ پس مقاومت کنندگان در راه حق بنا بر وعده الهی پیروزند.

ب. شکست دشمن

خداوند سبحان برای ایجاد روحیه مقاومت و استواری ایمان مسلمانان می‌فرماید: هرگز به شما آسیب سخت نتوانند رسانند مگر آنکه شما را اندکی بیازارند، و اگر به کارزار شما آیند از جنگ خواهند گریخت و از آن پس هیچ وقت منصور نخواهند بود. (آل عمران(۳):۱۱۱)^۱ یعنی اگر مومنین به مقاومت خود ادامه دهند خواهند دید که صبر دشمن بسیار کمتر از آن است که تصور می‌کردند و آن‌ها به زودی از معرکه خواهند گریخت و یارای مقابله را نخواهند داشت. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۲۷)

ج. رهایی از عذاب دردناک

از دیگر وعده‌های الهی به جهادگران و مقاومت کنندگان راه دین و ایمان، رهایی از عذاب جهنم است. خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راه نمایی کنم که شما را از عذابی دردناک می

۱. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»
۳. «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»
۱. «لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَدَىٰ وَإِنْ يَفَاتِكُمْ يُؤَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ»

رهاند * به خدا و فرستاده او بگریید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید برای شما بهتر است (صف (۶۱): ۱۰ و ۱۱)^۱ این آیات، مقاومت و جهاد را یک تجارت پرسود برشمرده که بالاترین نفع آن رهایی از عذاب دردناک جهنم و احوال روز قیامت است و ترک آن منجر به گرفتاری در آن عذاب است. (ابن عاشور، ۱۹۸۴ق، ج ۲۸، ص ۱۷۳)

د. رهایی از ترس و اندوه

به فرموده پروردگار عالم کسانی که در راه خدا در برابر دشمن ایستادگی می نمایند نه غم دنیا را دارند و نه غم آخرت را؛ زیرا طبق وعده خداوند از تمام اسباب ترس در روز قیامت ایمنی دارند و به سبب پاداش بزرگی که در انتظار ایشان است غم از دست دادن کالای فانی دنیا را ندارند. در این باره خداوند می فرماید: کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان (هنگام مرگ) بر آنان نازل می شوند (می گویند) ترسید و غم مخورید و بشارت باد شما را به آن بهشتی که به شما وعده داده می شد.» (فصلت (۴۱): ۳۰)^۱ (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۵۶۱)

ه. بهشت جاودان

بعد از آنکه خداوند ترس و اندوه را از مقاومت کنندگان منتفی دانست، بهشت جاوید را منزلگاه ایشان خوانده است؛ بهشتی که هر آنچه خواهند در آن بیابند و خطاب به ایشان می فرماید: ... بشارت باد شما را به آن بهشتی که به شما وعده داده می شد. در زندگی دنیا و در آخرت ما دوستان شما هستیم و هر چه دلهایتان

۱ . ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

۱ . ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾

بخواهد در [بهشت] برای شماس و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت
 (فصلت (۴۱): ۳۰ و ۳۱)^۱

و. اجر بی نهایت

از دیگر آثار صبر و مقاومت، وعده اجر بی انتهای الهی است. خداوند در وصف
 صابرين فرموده است: صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند.
 (زمر (۳۹): ۱۰)^۱ اینکه اجر ایشان را با وصف بغير حساب آورده است نشان از تفضل
 ویژه الهی به صابرين است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۳۱)

نتیجه

این گفتار به منظور استخراج مبنای مقاومت در قرآن کریم، بر اساس سیر منطقی
 مفهوم شناسی در لغت و اصطلاح آغاز شده و با ذکر مترادفات قرآنی مقاومت سعی
 در تحصیل معنای کامل تری از واژه مقاومت نموده است. سپس تحت عنوان مبنای
 قرآنی مقاومت به استنباط حکم لزوم و دلیل لزوم مقاومت و گستره آن در زندگی
 جامعه ایمانی پرداخته است. در ادامه اهم شرایطی که در مقاومت باید مورد توجه
 قرار گیرند، بیان شده‌اند و پس از آن حکم فقهی مقاومت نیز آمده است. در نهایت
 مهم‌ترین عوامل و موانع و نتیجه مقاومت از نگاه قرآن بیان گردیده است.
 طبق آنچه در این نوشتار بر اساس آیات نورانی قرآن گفته شد، لازم است که
 جامعه اسلامی با شناخت صحیح ماهیت و شرایط مقاومت، بر انجام بهتر و مصمم‌تر
 آن همت گمارد و با تمام قوا در همه عرصه‌ها با یک‌پارچگی و وحدت راه نفوذ و
 برتری دشمن را ببندد و زمام امور خود را به دست گیرد.
 در فقه به وجوب مقاومت در ابعاد مختلف حکم می‌شود؛ آنگونه که در کتاب
 مصطلحات الفقه آمده است:

۱. همان

۱. ﴿إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

«اگر دشمن به مسلمانان حمله کند به شکلی که اساس اسلام در خطر قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که با فدا کردن جان و مال و هر وسیله ممکن در برابر آن هجوم ایستادگی و دفاع کنند. این دفاع به صورت کفایی یا عینی بر مسلمانان واجب است و حضور امام معصوم یا اذن او لازم نیست.

از فروع این مساله این است که اگر نسبت به بخشی از سرزمین اسلامی احتمال هجوم دشمن و تسلط بر آن وجود داشته باشد، همین حکم جاری است و بر همه مسلمانان واجب است از آن جلوگیری کنند. و اگر به شکلی دشمن بر بخشی از سرزمین اسلامی تسلط یافته و بخواهد بر تسلط خود بیافزاید نیز بر مسلمانان جلوگیری از بیشتر شدن تسلط دشمن واجب است.

هیچ تفاوتی در تسلط دشمن بر سرزمین اسلامی از جهت تسلط نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به نحوی که به دین، اعتقاد، اخلاق و فروع احکام شرعی مردم آسیب برساند وجود ندارد. همچنین هیچ تفاوتی بین انواع تسلط ذکر شده و تسلطی که موجب وهن اسلام و مسلمین و تضعیف قوای ایشان شکستن ابهت جامعه اسلامی باشد، وجود ندارد.

حتی اگر در شرایطی با ورود کفار به سرزمین اسلامی به منظور تجارت، امور پزشکی، گردشگری و مانند آن ترس از به خطر افتادن اساس اسلام وجود داشته باشد، واجب است که از ورود آنها جلوگیری شود و یا تحت مراقبت شدید وارد شوند.

اگر روابط سیاسی با دولت‌های کفر مستلزم تسلط آنها بر امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان شود، جلوگیری از این ارتباط بر امت اسلامی واجب است. و بر علما واجب است که نهی و ارشاد خود را انجام دهند.

اگر از برخی رییس‌های دولت‌های اسلامی یا مسئولین و نمایندگان روابط فاسدی با دولت‌های کفر ظاهر شد به گونه‌ای که موجب نفوذ و تسلط دشمن ولو به شکل کلی بر جامعه اسلامی شود، او خاین است و خودبخود از مقامش عزل می‌گردد.

همچنین بر امت اسلامی حرام است که با دولت‌های کفر به گونه‌ای ارتباط برقرار کنند که این ارتباط موجب تضعیف اقتصاد و رکود بازار مسلمانان شود». (مشکینی علی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴۵-۲۴۶)

هر جامعه یا هر شخصی در مواجهه و مقابله با دشمنان خود، طبیعی است که باید بیشتر متوجه آن دشمنی باشد که از همه قوی‌تر است و بغض و عداوت بیشتری به آن شخص یا جامعه دارد. جامعه اسلامی نیز باید متوجه این قاعده باشد؛ هر چند ممکن است به دلایل مختلف از جمله دسیسه‌های دشمن از این شناخت باز ماند و گرفتار غفلت شود. خداوند متعال برای در امان ماندن جامعه اسلامی از این غفلت کشنده، طی یک هشدار همیشگی و تعیین جبهه مقاومت، خطرناک‌ترین دشمن اسلام و مسلمانان را معرفی کرده و فرموده است: به طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت. (مائده(۵):۸۲)^۱

با توجه به این آیه، قوم یهود از سرسخت‌ترین دشمنان دیرینه اسلام به شمار می‌رود که از آغاز ظهور دین مبین اسلام با رسول گرامی اسلام به جنگ برخاستند و با مشرکان و کفار قریش دست به توطئه‌های مختلفی زدند.

اکنون نیز که قرن‌ها از رسالت پیامبر خاتم می‌گذرد، صهیونیسم که همان یهودیان افراطی و دشمنان سرسخت دنیای اسلام هستند، کشور اسلامی فلسطین را اشغال کرده‌اند و با همکاری مستکبران و همراهان خود از جمله آمریکا و انگلیس در عرصه‌های گوناگون به جنگ با مسلمانان برخاسته‌اند و از هیچ کوشش و نیرنگی دریغ نورزیده‌اند. بنابر آنچه بر مبنای آیات قرآن گفته شد، برای حفظ اساس اسلام و نجات جان و دین مسلمانان که به بهانه‌های مختلف به خاک و خون کشیده

۱. ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ التَّائِبِينَ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِبُوا بِرُءُوسِهِمْ فَمَسَّيْنَا وَرُءُوسَهُمْ وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾

می‌شوند و میلیاردها انسانی که اسیر تاریکی جهل و کفر شده‌اند، مواجهه و مقابله و مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم بر همه مسلمانان جهان واجب است. «برای دستیابی به این هدف والا، کار لازم است، نه حرف؛ جدی بودن لازم است، نه کارهای نمایشی؛ صبر و تدبیر لازم است، نه رفتارهای بی‌صبرانه و دچار تلون. باید به افق‌های دور نگریست و قدم به قدم با عزم و توکل و امید به پیش رفت. دولت‌ها و ملت‌های مسلمان، گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و دیگر کشورها، هر یک می‌توانند نقش و سهم خود از این مجاهدت همگانی را بشناسند و باذن الله جدول مقاومت را پر کنند». (مقام معظم رهبری در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین مورخ ۱۳۹۰/۷/۹ ه.ش)

٨. منابع

قرآن کریم

١. ابن أبی حاتم، (١٤١٩ق)، تفسیر القرآن العظیم لابن أبی حاتم، المملكة العربية السعودية، مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ دوم.
٢. ابن اثیر، (١٤١٨ق)، النهایه فی غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
٣. ابن عاشور التونسي، محمد الطاهر، (١٩٨٤م)، التحریر والتنویر، تونس، الدار التونسية للنشر.
٤. ابن مسکویه، احمد بن محمد (١٤٢٦ق)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الاعراق، قم، طلیعه نور.
٥. أثيرالدين الأندلسي، أبوحيان(١٤٢٠ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
٦. آلوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق)، روح المعانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
٧. جلال الدين السيوطي، عبد الرحمن بن أبى بكر(١٤٣٢ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.
٨. دهخدا، علی اکبر(١٣٧٣ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، روزنه.
٩. رازی، محمد بن ابی بکر(١٤١٥ق)، مختار الصحاح، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
١٠. رشید رضا، محمد(١٩٩٠م)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، هیئة المصریه العامه للكتاب.
١١. زبیدی، محمد مرتضی(١٣٠٦ق)، تاج العروس، بیروت، مكتبة الحياة.
١٢. زحیلی، وهبة بن مصطفى(١٤١٨ق)، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
١٣. زمخشری، محمود بن عمرو(١٤٠٧ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.
١٤. صدرالدين شیرازی(ملا صدرا)، محمد بن ابراهیم(١٣٦٦ش)، تفسیر القرآن

- الكريم، قم، نشر بيدار.
١٥. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٣٧١ش)، الميزان في تفسير القرآن، قم، اسماعيليان.
١٦. طبرسي، فضل بن حسن (١٤٠٨ق)، مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفة، چاپ دوم.
١٧. طريحي، فخرالدين (١٤٠٨ق)، مجمع البحرين، بيروت، مكتب النشر الثقافة الاسلامية، چاپ دوم .
١٨. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، التبيان في تفسير القرآن، قم، مكتب الإعلام الإسلامي.
١٩. فخرالدين الرازي، محمد (١٤٢٠ق)، مفاتيح الغيب: التفسير الكبير، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم.
٢٠. فراهيدي، خليل بن احمد (١٤٠٩ق)، ترتيب كتاب العين، قم، موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
٢١. فيروزآبادي، محمد بن يعقوب (١٤٢٤ق)، القاموس المحيط، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ دوم.
٢٢. قرطبي، محمد بن أحمد (١٣٨٤ق)، الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي)، قاهره، دار الكتب المصرية، چاپ دوم.
٢٣. قرطبي، محمد بن أحمد (١٤٠٥ق)، الجامع لاحكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ چهارم.
٢٤. قنوجي، محمد صديق خان (١٤١٢ق)، فتح البيان في مقاصد القرآن، بيروت، المكتبة العصرية للطباعة والنشر.
٢٥. لويس معلوف (١٣٧٣ش)، المنجد في اللغة، بيروت، دار المشرق، چاپ دهم.
٢٦. مراغي، أحمد بن مصطفى (١٣٦٥ق)، تفسير المراغي، قاهره، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ اول.
٢٧. مكارم شيرازي، ناصر (١٣٧٩ش)، الامثل في تفسير كتاب الله المنزل، قم،

مدرسة الامام على بن ابيطالب عليه السلام.

۲۸. مشکینی، علی (۱۳۸۴ش)، مصطلحات الفقه، انتشارات الهادی، قم، چاپ چهارم.
۲۹. نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۷ش)، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی (فارسی-انگلیسی)، تهران، نشر نی، چاپ چهارم.
۳۰. واحدی، علی بن أحمد (۱۴۳۰ق)، التفسیر البسیط، ریاض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
۳۱. هروی، محمد الأمين (۱۴۲۱ق)، تفسیر حدائق الروح والريحان، بیروت، دار طوق النجاة.